

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴ • ۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۳۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۳ • اذان صبح فردا ۵:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

نکته‌خوانی

نهای کج بی‌اعتمادی

پگاه‌پاک‌زاد



یافت تاریخی کرمان، روزگاری با خانه‌های خشتی، حیاط‌های مرکزی و کوچه‌های بچ‌دریج، بخشی از هویت شهر بود؛ اما سال‌هاست صدای کلنگ و بولدورز جای زرمزه تاریخ را گرفته و هر روز خبری از ویرانی می‌رسد. حتی «حرم» بازار» و «گنجعلی‌خان» هم در امان نیستند. کرمان، میراثی دارد که می‌تواند مقصد گردشگران باشد؛ اما با این روند شاید تنها خاطره‌ای محو از آن معماری باقی خواهد ماند. عکس: رحیم بنی‌اسد آزاد، ایرنا

ضرورت هزینه برای آمبولانس دارای سی‌تی‌اسکن



بابک زمانی

نورولوژیست

است. براساس این کشف علمی، الان از ساعت طلایی یعنی ساعت اول و ساعت مجاز به معنی چهار، پنج ساعت اول صحبت می‌کنیم. درمان بیمار از ساعت اول از لزوم بسیاری درمان‌های پرخطر پرهزینه و کمیاب هم به‌شدت می‌کاهد.

اگرچه در کشور وجود بخش‌های پیشرفته برای درآوردن لخته با روش آنژیوگرافی (ترومبکتومی) برای بسیاری از بیماران و گسترش این درمان به ساعات‌های دیرتر تحت تحقیقات، ضرورتی تردیدناپذیر است، اما پوشش «ترومبکتومی» برای کل کشوری با نزدیک به صد میلیون جمعیت با گستردگی عظیم از دشت‌ها و سرزمین‌های کویری گرفته تا کوهستان‌های برف‌گیر خیلی واقع‌بینانه نیست؛ بنابراین درمان وریدی با داروی جدیدی که با سرعت و با عوارض کمتر تزریق می‌شود، در ساعت طلایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. درمانی که هم امکان‌پذیر، هم اقتصادی و هم واقع‌گرایانه است. اینجاست که ضرورت و مناسبت آمبولانس دارای سی‌تی‌اسکن در کشور ما خود را نشان می‌دهد؛ ابزاری که در اقصی نقاط دنیا، به‌ویژه کشورهای فقیرتر (به دلایلی که گفتیم) راه افتاده و کارایی خود را نشان داده است.

آیا در میان مسئولان دولتی، مسئولان نهادهای مختلف، صاحبان امکانات مالی و نمایندگانی که همواره دنبال جاده و امکانات برای حوزه انتخابی خود هستند، کسی پیدا می‌شود که ضرورت تهیه آمبولانس دارای سی‌تی‌اسکن را درک کند و در این جهت تلاش کند؟ درک کند که این ابزاری برای بیماران و نه پزشکان است؛ ابزاری که قیمت آن در مقایسه با هزینه‌های هنگفتی که می‌دائیم نهادهای بی‌خاصیت بسیار هر ماهه می‌بلعند، درواقع هیچ است.

هفت آبان‌ماه معادل ۲۹ اکتبر، روز جهانی سکتة مغزی است و این هفته، هفته سکتة مغزی و تبلیغات در راستای افزایش اطلاعات عمومی درباره سکتة مغزی است. به این دلیل، یادداشت را به آمبولانس دارای سی‌تی‌اسکن اختصاص داده‌ام. دلایل این انتخاب در این یادداشت روشن می‌شود.

MSU یا واحد موبایل سکتة مغزی، آمبولانس نسبتاً بزرگی است که در داخل آن یک سی‌تی‌اسکن قرار دارد. علاوه بر آن، تجهیزات مختلفی که برای درمان سکتة مغزی لازم است، از انواع داروها و وسایل مدرن الکترونیکی برای ارتباط و حتی یک دستگاه ساده سونوگرافی داخل مغز TCD نیز در آن تعبیه شده است.



دنیاخوانی

رقص با «موزونگو»

میشم‌هدایت

رکاب‌زنان از کنار یک مهدکودک که با فنس از جاده جدا شده است، رد می‌شوم. یک کودک کنیایی فریاد می‌زند: «موزونگو، موزونگو». ریتم گرفته است و با هر سیلاب «موزونگو» یک بار پایش را زمین می‌کوبد. دارم فکر می‌کنم که رنگ روشن یونیفورمش با پوست تیره‌اش عجب ترکیب بامزه‌ای به هم زده که متوجه می‌شوم تمام مهدکودک آویزان فنس شده‌اند و یک صدا و حماسی می‌خوانند: «موزونگو، موزونگو». دیگر نمی‌توانم. حیف است. پیاده می‌شوم و از این سویی فنس با این کودکان معصوم و دوست‌داشتنی در این سرود ساده و تک‌کلمه‌ای همراه می‌شوم و پایکوبی می‌کنم. از اولین مغازه می‌پرسم موزونگو یعنی چه؟ با خنده می‌گوید یعنی سفیدپوست، هرچند ریشه این واژه به معنای شخص سرگردان است! توصیف پریبراهی هم از وضع کنونی من نیست. رکاب‌زان از نایروبی، پایتخت کنیا، خود را رسانده‌ام به دریاچه بارینگو، دومین دریاچه بزرگ آب شیرین در کنیا. در رستوران نزدیک دریاچه نشست‌هام و آبگوشت بز می‌خورم که شخصی به من نزدیک می‌شود و می‌گوید قایقران و لیدر محلی است. دندان‌های بسیار زردش توی ذوق می‌زند. مبلغ معقولی را برای یک ساعت قایق‌سواری پیشنهاد می‌دهد، اما می‌گوید مطمئن است که برنامه‌ای درخور این دریاچه زیبا دست‌کم سه ساعت زمان نیاز دارد. برای فردا قبل از طلوع و به مدت فقط یک ساعت با او قرار می‌گذارم. موقع خداحافظی می‌گوید اسمش پتر است و قول می‌دهد دلیل زردی دندان‌هایش را فردا برایم توضیح دهد. پتر متوجه نگاهم شده بود. خجالت می‌کشیم. صبح روز بعد، مسیر دو کیلومتری محل کمپ‌زدنم تا قایق را رکاب می‌زنم، با کمک پتر دوچرخه را هم سوار قایق می‌کنیم و راه می‌افتیم. در همان مدت یک ساعت، هم‌زمان با طلوع، کروکودیل و پرندهای زیادی نظیر پرند سرچکشی یا هماکوپ، ماهی‌خورد، اکرت و حواصیل می‌بینیم. در چند سال اخیر سطح آب دریاچه به واسطه گرمایش جهانی بیشتر از ۱۰ متر بالا آمده و هتل‌ها، کلیساها، خانه‌ها و کل تأسیسات ساحل به طرز رعب‌آوری به زیر آب رفته‌اند؛ گویی هرگز جور دیگری نبوده‌اند و آبادانی به خود ندیده‌اند. همین موضوع هم گردشگری منطقه را به‌شدت از رونق انداخته است، چراکه بسیاری از گردشگران خارجی، این دریاچه را به خاطر هتل‌ها و تفرجگاه‌های لوکس کنار آبش انتخاب می‌کرده‌اند. تا به خودم بیایم یک ساعت سر رسیده است. اینجاست که پتر می‌گوید اگر سر کیسه را شل کنم من را به

روز پرستار مبارک باد

۵ آبان میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار

۰۴۴۷-۱۰۵۱-۰۸۷۰-۵۰۲۹

پرستاران شاغل در آسایشگاه کهریزک، با عشق و قلب خود در خدمت توانخواهان هستند.

حمایت می‌کنم

KahrizakCharity.com

KahrizakCharity

طنزخوانی

دل‌نوشته‌ای گوسفندوار



آیدین سیار سریع

یک سایت خبری تیتُر زده: «فوتبال ایران جای گرگ‌هاست، نه وحید هاشمیان». بنده به‌عنوان یک گوسفند تأیید می‌کنم که نه‌فقط فوتبال، بلکه در بقیه عرصه‌ها هم گرگ‌ها و جانوران تهاجمی عملاً فضا را برای ما جانوران تدافعی تنگ کرده‌اند. مایی که سرمان پایین است و می‌خواهیم بدون حاشیه کارمان را بکنیم، همیشه کلاه‌مان پس معرکه است. کتمان نمی‌کنیم که کمی هم فریب ضرب‌المثل‌ها را خورده‌ایم، مثلاً همیشه به ما می‌گفتند «چاک‌کس ته چاهه». ما واقعاً روی این ضرب‌المثل‌ها حساب می‌کردیم. اگر کسی توطئه یا نقشه‌ای علیه ما می‌چید، رخ پیروزمندان‌های می‌گرفتم و می‌گفتم چه فایده؟ الان این کارگشته خودش ته چاهه! ولی بعداً فهمیدیم چاک‌کس، آن‌قدر کنده که به نفت رسیده و آن پایین برای خودش امپراتوری تشکیل داده. ضرب‌المثل بعدی که ما را بیچاره کرد، این بود که می‌گفتند: «طرف نون دلش رو می‌خوره». ما واقعاً تا یک سنی فکر می‌کردیم سیستم‌های اقتصادی براساس شفافیت دل و پاکی عروق کار می‌کنند. بر همین اساس، سعی می‌کردیم دلمان را پاک نگه داریم و از این طریق نان بخوریم. ولی رفته‌رفته سباز نان‌مان جوری کوچک شد که واقعاً سیاه‌دل‌ترین انسان‌های تاریخ هم این‌قدر کم نان نمی‌خوردند! اگر خاطراتان باشد، یک شعری هم بود که می‌گفت: «تو نیکی می‌کنی و در دجله انداز». ما روی حساب این شعر این‌قدر نیکی کردیم و انداختیم توی آب که دیگر خود محیط زیست شاکس شد و بیابیه داد که به این روند خاتمه دهد! رود خشک شد! بعدها فهمیدیم که نیکی از حد گذشته و نادان خیال بد کرده و موقع نیاز یک لگدی هم به ما زده. آنچه واضح است این است که این روزها توازن جمعیتی به هم خورده. تعداد گرگ‌ها از بقیه گونه‌های جانوری پیشی گرفته که جا دارد محیط زیست به این قضیه هم ورود کند. کاری که بقیه عزیزان باید بکنند این است که این‌قدر به اینها غذا ندهند. کارشناسان هم گلویشان پاره شد از بس گفتند به اینها غذا ندهید. اینها کله می‌شوند و می‌آیند در فوتبال و سینما و سیاست و اقتصاد و... پدر بقیه گونه‌های جانوری را درمی‌آورند. خدا شاهد است به خاطر خردم نمی‌گویم. من که گوسفندوار عرم را کرده‌ام و الان پیر شده‌ام و گوشتم هم سفت شده، به خاطر خود گرگ‌ها می‌گویم که فردا که ما منقرض شدیم اینها دیگر غذا پیدا نمی‌کنند و می‌افتند به جان همدیگر. یک ضرب‌المثل است که می‌گوید: «از گیر گرگ دررفت، گیر گفتار افتاد». همین نشان می‌دهد ما در هر صورت شانس نداریم. گرگ‌ها را در بایابیم.

خبرخوانی

۱۱ زندانی در کنکور پذیرفته شدند

ایلام: ۱۱ نفر از زندانیان ندامتگاه قزلقصر پس از قبولی در آزمون ورودی دانشگاه‌های صنعتی شریف، پیام نور و آزاد اسلامی به مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد راه یافتند. این ۱۱ زندانی شرکت‌کننده در آزمون‌های سراسری دانشگاه‌های کشور، چهار نفر در مقطع کارشناسی و هفت نفر در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شده‌اند. زندانیان پذیرفته‌شده مقطع تحصیلی کارشناسی در رشته‌های مدیریت بازرگانی، عمران، مهندسی مکانیک خودرو، مهندس کامپیوتر و مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت کار آفرینی، حقوق، حسابداری، مهندسی فناوری اطلاعات و تربیت بدنی ادامه تحصیل خواهند داد. در پایان هر ترم تحصیلی، استادان رشته‌های مختلف با هماهنگی واحد فرهنگی و آموزش ضمن حضور در زندان، اقدام به برگزاری امتحانات پایان‌ترم تحصیلی می‌کنند. پیش از این گفته شده بود برخی استادان برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا علمی و کاربردی به دانشگاه‌ها رفت‌وآمد دارند و مدیرکل دفتر گسترش دانشگاه علمی و کاربردی تأکید کرده است: نوع و زمان آموزش‌ها در زندان به همان صورتی است که مراکز بیرون از زندان در حال اجرا دارند.